

ناکار آمدی «معرفت عرفانی منهای شریعت»

از نگاه انسان شناسی اسلامی

کاوس روحی برندق*

ابراهیم فرجی**

سید محمدباقر عبادی***

چکیده

برخی از عارف نمایان، پایبندی به احکام و آداب و مناسک خاص را در نیل به کمالات عرفانی غیرضروری برشمرده، بلکه با استناد به برخی آیات قرآنی به مخالفت با لزوم شریعت برخاسته است، پژوهش حاضر در مقام از دفاع از عرفان راستین و با استناد به دلایل عقلی برون دینی و دلایل نقلی و آیات قرآنی به نقد عرفان منهای شریعت پرداخته و به این نتیجه رسیده است که برای رسیدن به معرفت عرفانی، التزام به شرایع عملی ضروری بوده و دلایل مورد استناد مدعیان عرفان‌های شریعت‌گریز، سست و نادرست است. روش این نوشتار در گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و در تجزیه و تحلیل مطالب، شیوه تحلیلی انتقادی است.

کلیدواژه‌ها: معرفت عرفانی، شریعت، عرفان منهای شریعت، موسی و خضر علیهم‌السلام، رهبانیت، مقام یقین.

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس (k.roohi@modares.ac.ir).

** طلبه سطح سه حوزه علمیه قم (faraji.eb@gmail.com).

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران (smb.ebadi@yahoo.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

مقدمه

شبهه‌ای که در برابر ادیان دارای شریعت و قانون همواره مطرح بوده، این است که وجود شرایع و مقررات دست‌وپا گیر و پایبندی به احکام و آداب و مناسک خاص به‌ویژه در حوزه برقراری ارتباط با خدا و به تعبیر فراگیرتر، در حوزه ارتباط با ماورای طبیعت، چه ضرورتی دارد؟ لذا پاره‌ای از مدعیان عرفان بر آن‌اند که انسان وقتی به کمال رسید، دیگر نیاز به شریعت نخواهد داشت و بدین دلیل، تکلیف از او برداشته می‌شود، و برخی در این راستا به‌ظاهر بعضی از آیات قرآن تمسک کرده‌اند. اگرچه پیشینه پژوهش مسئله مورد بحث این مقاله را می‌توان در نگاشته‌های فراوان که ذیل منابع پژوهش مشخصات تمامی آنها آمده و نیز پاره‌ای از پژوهش‌هایی که اخیراً به‌صورت کتاب، پایان‌نامه و البته بیشتر در قالب مقاله سامان یافته‌اند^۱، جستجو کرد. اما هیچ‌کدام از این نگاشته‌ها،

۱. مشخصات پیشینه به دست آمده در خصوص موضوع مقاله عبارت‌اند از: (۱) مقاله «موسی زرقی، سمیرا خالقی و مهناز قلعه نویی، (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر پیدایش عرفان‌های کاذب و نوظهور بر عرفان‌های اسلامی، روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی، (۴)۲، (۱۱-۲۶»؛ (۲) پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «التزام عملی به شریعت در عرفان اسلامی و عرفان‌های نو ظهور» نوشته (وحیده مقرب سید بیگلر، با راهنمایی دکتر اشرف میکائیلی)؛ (۳) مقاله «مهدوی آزاد بنی، رمضان، حق جو، سیاوش، رضازاده، مصطفی، (۱۳۹۵)، بررسی اختلافات و اشتراکات تفاسیر عرفانی فریقین ذیل داستان حضرت موسی علیه السلام و خضر علیه السلام مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، ۱۱(۴۴)، ۶۷-۸۰»؛ (۴) مقاله «مظاهری، عبدالرضا، (۱۳۹۲)، چگونگی پیوند شریعت با طریقت و حقیقت از طریق آیات و روایات، سراج منیر، ۴(۱۳)، ۸۷-۱۰۴»؛ (۵) مقاله «شیخ الاسلامی علی، تاجیک ابوالفضل، (۱۳۹۵)، عرفان شریعت: از تعارض تا گفتگو گونه شناسی ارتباط میان عرفان و شریعت، پژوهشنامه عرفان، ۰(۱۵): ۷۳-۵۱»؛ (۶) مقاله «رمضانی، حسن، (۱۳۹۳)، بررسی مسئله «ظهور حقایق و بطلان شرایع» در عرفان اسلامی، حکمت اسلامی، ۱(۱)، ۷۳-۹۸»؛ (۷) مقاله «آقا سنجر، حسین، سنجر، زهرا، (۱۳۸۹)، نقش شریعت در سیر کمال انسان، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۱۲(۱-۲)، ۲۰۳-۲۲۶، doi: 10.22091/pfk.2010.144.8» مقاله «ولیکی ابرقویی، احمد، محمدی، عبدالله، (۱۳۹۷)، نقد روش‌شناسی عرفانی مکتب حلقه، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، (۷۴) ۲۲، ۱۵۱-۱۲۷»؛ (۹) مقاله «موسویان سید محمد، کلانتری ابراهیم، (۱۳۹۱)، نقد و بررسی دیدگاه پائولو کوئلیو درباره ایمان و شریعت، اندیشه نوین دینی، ۸(۳۱): ۲۳-۴۰»؛ (۱۰) مقاله «رحیمی، نرگس، صالحی، صغری، (۱۳۹۱)، عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، نشریه معرفت، ۲۱(۱۷۷)، ۱۰۱-۱۱۸»؛ (۱۱) مقاله «پثربی سید یحیی، (۱۳۸۴) جایگاه شریعت در قلمرو عرفان، کتاب نقد، ۳۵، ۹۳-۱۲۸»؛ (۱۲) مقاله «شیرازی یثربی، سید یحیی، سقوط تکلیف در عرفان اسلامی، مجموعه آثار کنگره اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی (ره) - جلد ۱۵»؛ (۱۳) مقاله «آقا نوری، علی، سقوط تکلیف شرعی از دیدگاه عرفان و امام خمینی علیه السلام، مجموعه آثار کنگره اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی (ره) - جلد ۷ مقالات عرفانی (۴)»؛ (۱۴) مقاله «مظاهری، دکتر عبدالرضا،

مسئله مورد بحث را مستقلاً مورد پژوهش قرار نداده و یا به استقصای ادله موافق و مخالف مسئله نپرداخته است؛ خواه پژوهش‌هایی که در زمینه عرفان اسلامی سامان یافته‌اند که بسیاری از پژوهش‌ها از این دست‌اند، و خواه پژوهش‌هایی که در نقد عرفان‌های کاذب نگاشته شده‌اند. بر این اساس، انجام پژوهش نو که اختصاصاً به مسئله ارتباط عرفان و شریعت پرداخته و از نظر روشی نیز به‌طور همگن بر ادله لفظی و نقلی و ادله عقلایی^۱ مبتنی است، قابل توجیه خواهد بود.

پیش از شروع بحث روشن است که در اینجا مراد از عرفان، ادراک حقایق با ابزار شناخت خاص به نام قلب و دل است که نتیجه آن شهود قلبی است و به دو شاخه نظری و عملی تقسیم می‌گردد که در عرفان نظری، سخن از اثبات آموزه‌های نظری مرتبط با توحید حضرت حق (قونوی، ۱۳۷۴: ۶؛ خوارزمی، ۱۳۷۹: ۱۳۵؛ ابن‌ترکه، ۱۳۷۸: ۴) با تمسک به شهود است و در عرفان عملی، تلاش در زمینه اجرای برنامه‌های خاص^۲ و سیر و سلوک برای رسیدن به اهداف و مقاصد تبیین شده در عرفان نظری از راه شهود یقینی (سید حیدر آملی، ۱۳۸۲: ۲۷) می‌باشد؛ چنانکه مقصود از اصطلاح شریعت^۳، احکام ظاهری دین است در برابر طریقت، که عبارت از رعایت و حفاظت عملی از

(۱۳۸۰)، اسقاط تکلیف در عرفان اسلامی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی «۱۵» کتاب «عرفان و شریعت» نوشته سید یحیی یثربی؛ ۱۶، پایان نامه کارشناسی ارشد «قواعد سقوط تکلیف شرعی در اسلام نوشته (مطهره اختری) با راهنمایی دکتر حسین سلیمانی، گروه ادیان ابراهیمی دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۷) پایان نامه «نبوت و اسقاط تکالیف شرعی از منظر عرفان اسلامی» نوشته حمید اقبالی فر؛ ۱۸) مقاله «نوروزی اصغر، (۱۳۹۲)، نسبت تصوف و عرفان با تشیع و خاستگاه شیعی عرفان از منظر علامه طباطبایی، حکمت عرفانی ۲ (۶)، ۲۵-۴۲»؛ (۱۹) مقاله «جوکار، نجف، زنده بودی، حسین، (۱۳۹۸)، نگاهی به نقد خودپالایشی عرفا و بی‌التزامی به شرع، ادب فارسی، (۱۹)، ۱-۱۹»؛ (۲۰) مقاله «رودگر، محمدجواد، (۱۳۹۰)، شناخت‌های لازم در سلوک عملی با نظر به آرای علامه جوادی آملی، دوفصلنامه علمی پژوهشی حکمت اسراء، (۲)۳، ۱۰۷-۱۳۶»؛ (۲۱) مقاله «یوسف ثانی، سید محمود، رادی میبدی، فاطمه، (۱۳۹۷)، بررسی عوامل مؤثر در حصول غایت سلوک عرفانی با رویکردی بر آرای امام خمینی (ره)، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، (۶۶)۱۸، ۱۵۸-۱۰»؛ (۲۲) مقاله «سلیمانان، حمیدرضا، (۱۳۹۴)، در نسبت شریعت و عرفان، نشریه نثر پژوهی ادب فارسی، (۳۸)۱۸، ۱۸۵-۲۰۴»

۱. مسأله پژوهش حاضر از مصادیق عقلی عملی بوده و در این‌گونه مسائل، حکم عقلاء از آن جهت که عاقل‌اند، میزان عمل می‌باشد و این حکم بر مبنای حسن عدل و قبح ظلم استوار است (فیاض، ۱۳۸۲، ج ۴: ۱۶۲).

۲. برگرفته از حدیث منقول از رسول اکرم ﷺ: «الشَّرِيعَةُ أَقْوَالِي وَالطَّرِيقَةُ أَعْمَالِي وَالْحَقِيقَةُ أَحْوَالِي»، شریعت عبارت از سخنان من و طریقت، کارهای من و حقیقت، حالات من می‌باشد (احسائی، ۱۴۰۳، ج ۴: ۱۲۴؛ آملی، ۱۴۲۸، ج ۳: ۱۶).

شریعت و احکام ظاهری و التزام عملی به تهذیب نفس و اصلاح اخلاق درونی می‌باشد و حقیقت، که عبارت از شهود عرفانی و تجربه حالی حقایق دینی است (ر.ک: املی، ۱۴۲۸، ج ۳: ۱۸؛ حوراء، ۱۳۶۳: ۸۷؛ ابن‌عربی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۵۹۹-۵۹۸).

۱. نقد درون دینی عرفان منه‌ای شریعت

دلیل بسیار معروف مدعیان عرفان بدون شریعت، آیه شریفه «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»^۱ تا زمان رسیدن به یقین پروردگار، او را عبادت کن (حجر: ۹۹)؛ است که از آن استفاده می‌شود بعد از رسیدن به مقام یقین، دیگر نیازی به عبادت نیست (ر.ک: عاملی، بی‌تا، ج ۱: ۵۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲: ۱۹۶؛ مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۸: ۱۱۹)، لذا برخی صوفی‌نماها، در معنای آیه‌ی «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»^۲ تا زمان رسیدن به یقین پروردگار، او را عبادت کن (حجر: ۹۹) ادعا کرده‌اند کسی که بدین مقام رسیده است، باید ترک عبادت کند، به‌طور مثال: فرقه‌ای از صوفیه، به نام واصلیه می‌گویند: نماز و روزه و زکات و حج و احکام دیگر از بهر آن است که شخص، اول بدان مشغول شود و تهذیب اخلاق کند و او را معرفت حق حاصل شود و چون معرفت حاصل شد، واصل بود، و چون واصل شد، تکلیف از او برداشته می‌شود و هیچ‌یک از شرایع دین بر او واجب نباشد و تمام محرمات بر او حلال باشد (حسنی رازی، ۱۳۶۴: ۱۳۱)، و علامه حلی نقل کرده است: گروهی از صوفیان را در حرم مطهر امام حسین علیه السلام زیر نظر گرفتیم و دیدیم یکی از آنان با دیگران نماز نمی‌خواند، از دلیل آن پرسیدیم، در پاسخ گفت: کسی که واصل شد، نیازی به نماز ندارد، آیا درست است که پس از وصال، حجابی بین بنده و خدایش قرار گیرد؟ (حلی، ۱۴۰۷: ۵۸ و ۵۹) و این بنا بر نظر برخی اختصاص به زمان بعد از وصول عارف به مقامات عرفانی ندارد، بلکه اساساً مبنای این نوع عرفان‌ها، نفی شریعت است.^۱

۱. ر.ک: رحیمی، نرگس، صالحی، صفری (۱۳۹۱)، عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، نشریه معرفت، ۲۱ (۱۷۷)، ۱۱۸-۱۰۱؛ موسویان سید محمد، کلانتری ابراهیم (۱۳۹۱)، نقد و بررسی دیدگاه پائولو کولیبو درباره ایمان و شریعت، اندیشه نوین دینی، ۸ (۳۱): ۲۳-۴۰؛ ولیعی ابرقویی، احمد، محمدی، عبدالله، (۱۳۹۷)، نقد روش‌شناسی عرفانی مکتب حلقه، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، (۷۴) ۲۲، ۱۵۱-۱۲۷.

نقد: مفهوم یقین در این آیه شریفه، عبارت از امر یقینی، یعنی مرگ است، بدین ترتیب، معنای آیه این می‌شود که تا زمان رسیدن امر یقینی مرگ، خدا را عبادت کن (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۹۹؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۳۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۳۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۱۲۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲: ۱۹۶)، لذا اکثر دانشمندان اسلامی «یقین» را در این آیه، به معنای مرگ و «عبد» را به معنای عبادت می‌دانند (طبری، ۱۴۱۳، ج ۱۴: ۵۱؛ طوسی، بی‌تا، ج ۶: ۳۵۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۹۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۳: ۳۷۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۵۳۴؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۹: ۱۶۶؛ ابن عربی، بی‌تا، ج ۲: ۲۹۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰: ۶۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴: ۴۷۵؛ ابن ترکه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۷: ۳۲۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۳: ۱۸۳) و اما معانی دیگر - از قبیل معنای یاد شده و یا قطع به چیزی که هیچ شک و تردیدی در آن نیست، یعنی نصر و پیروزی ای که خداوند به پیامبر ﷺ و عده داده بود، (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۳: ۷۳) و یا اینکه یقین در اینجا مشاهده صرف است، یعنی هرگاه به مقام توحید و مشاهده ازلی رسیدی و در دریای ابدیت فرو رفتی، در این حالت ظاهر عبادات از تو برداشته می‌شود، تا زمانی که از این حالت خارج شوی (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸، ج ۲: ۳۰۶) و یا اینکه مقام حق‌الیقین، که عبادت تو با انقضاء وجودت پایان می‌یابد (ابن‌عربی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۵۶) - همگی معانی به دور معنای سیاق آیات و یا معانی تأویلی هستند، افزون بر این، با مضمون آیات دیگر سازگاری ندارد و نیز سیره عملی انبیا و اولیای الهی هماهنگی ندارد.

استدلال دیگر مدعیان عرفان منهای شریعت، آیه شریفه «وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ» در دل پیروان حضرت عیسی ﷺ مهر و رحمت قرار دادیم و رهبانیتی را که آنان نوآوری کردند، بر آنان واجب نکردیم مگر برای طلب و رسیدن به خشنودی خدا (حدید: ۲۷)، دلالت بر آن دارد که نوآوری رهبانیت در دین برای رسیدن به خشنودی خدا جایز است و این بدان معنا است که دین در این زمینه، ساکت است و اختیار جعل احکام و شرایع را به ما سپرده است.

نقد: مفهوم این آیه شریفه آن است که استنباط قوانین فرعی و التزام و پایبندی به آن‌ها در صورتی که با قوانین کلی که دین جعل کرده است، انطباق داشته باشد، اشکالی ندارد؛ نه آن‌که دین اصل جعل احکام را به انسان واگذار کرده است. به بیان دیگر، شرایع دین به دو دسته تقسیم

می‌گردد: ۱. دین تأسیسی؛ ۲. دین امضایی، و شرایع دینی امضایی باید با شرایع دین تأسیسی کمال سازگاری را داشته و از فروع آن به شمار می‌آید و گرنه مورد پذیرش شارع و مُمضی نخواهد بود.

عبد الرزاق کاشانی با استناد به آیه «فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا» بر آن است که رهبانیت در دین مسیح مانند تصوف در اسلام است، همان‌طور که رهبانیت به خاطر رعایت رضایت خداوند است، تصوف در اسلام نیز برای رضایت خداست (قاسانی، ۱۳۸۵: ۲۸۴؛ سجادی، ۱۳۷۹: ۴۲۲). لذا علامه طباطبایی رحمته الله علیه گویی با اشاره به سخن یاد شده از در این باره تصریح می‌کند که برخی چنین پنداشته‌اند که چگونگی پیمودن این راه در شرع بیان نشده است و حتی برخی در تألیفات خود نوشته‌اند که این روش در اسلام همچون رهبانیت است که مسیحیان در دین مسیح، بدعت گذاشتند، بی‌آن‌که حکمی الهی در مورد آن نازل شده باشد و خداوند سبحان آن را از ایشان پذیرفته است و گفته‌اند که طریق معرفت نفس در شریعت اسلامی وارد نشده است و شریعت، راهی برای رسیدن به کمال پسندیده است و در نقد آن می‌گوید: شریعت اسلام هیچ چیزی از لوازم سیر به سوی خدا و اندکی از آنچه مربوط به سعادت و نیک‌بختی یا شقاوت و نگونساری شود خواه ریز یا درشت، فروگزار نکرده است بلکه آن را بیان و آشکار ساخته است، پس هر کسی در گرو عمل خویش و هم‌آهنگ با عملش پاداش و کیفر می‌یابد، و پس از استناد به برخی آیات و اشاره به روایات، می‌گوید: چه نیکوست این سخن بعضی از اهل کمال که گفته است: رها کردن ریاضات شرعی و گرایش به ریاضت‌های شاق و دشوار در حقیقت گریختن از دشوارتر به سوی آسان‌تر است، زیرا پیروی از شرع برای قتل نفس و کشتن مستمر و دائمی آن است که مادام که نفس موجود است این ریاضت‌ها برقرار است، اما ریاضت‌های شاق و دشوار، قتل دفعی و آنی برای نفس هستند و از همین رو آسان‌ترند و نیاز به ایثار کمتری دارند، و بالجمله شریعت، بیان کیفیت سیر و سلوک از طریق معرفت نفس را فروگزار نکرده است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۷۵-۷۲).

استدلال دیگر مدعیان عرفان منهای شرعت، این است که از ماجرای دو پیامبر الهی، حضرت موسی و حضرت خضر علیه السلام که به‌طور مبسوط در سوره کهف (کهف: ۸۲-۶۰) مطرح شده است، می‌توان استفاده کرد که در پاره‌ای موارد برخلاف شریعت جایز است و خداوند آن را تأکید کرده است.

نقد: اولاً این موارد اندک است و ثانیاً باید از سوی خداوند به جهت مصالحی که خود در نظر دارد، اعلام گردد و اتفاقاً فلسفه امور سه گانه‌ای در آیات سوره کهف توسط حضرت خضر علیه السلام

بیان گردیده است و این که اقدام خودسرانه نبوده است، به همین دلیل، خضر علیه السلام با صراحت اعلام کرد که من آن کارها را خودسرانه انجام نداده‌ام: «وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (کهف: ۸۲) ولی آیا رسیدن به حقیقت و باطن توجیهی برای التزام نداشتن به شریعت است؟ ممکن است عده ای با استناد به آیات گذشته، بگویند هنگامی که انسان به حقیقت برسد، دیگر لازم نیست به ظاهر شریعت عمل کند؛ همان گونه که خضر به حقیقت و باطن رسیده بود، به ظاهر شریعت عمل نمی‌کرد.

در پاسخ می‌گوییم که حضرت خضر علیه السلام بدون دستور خاص از طرف خداوند، اجازه‌ی انجام چنین کارهایی را نداشت، زیرا فرمود: «وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي» (کهف: ۸۲)، بنابراین تنها در موارد استثنایی که دستور صریح و خاص خداوند برای شخص معینی مثل حضرت خضر - که پیامبر خداوند است - رسیده باشد، عمل برخلاف شریعت جایز است، در غیر این صورت کسی حتی پیامبران و امامان علیهم السلام و اولیای الهی مجاز به عمل برخلاف شریعت نیستند و باید التزام کامل به دستورات شریعت داشته باشند، اینکه برخی صوفیان جاهل با استناد به این آیات به دنبال گریز از شریعت هستند، کاملاً اشتباه است و عدم فهم آن‌ها از آیات قرآن و روایات را نشان می‌دهد، بنابراین، با تکیه بر جمله‌ی «وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي» انسان در هر مقام و جایگاه عرفانی حتی اگر به حقیقت دست یافته باشد، نمی‌تواند برخلاف ظاهر شریعت و دستورات دین عمل کند.

۲. نقد برون دینی عرفان منهای شریعت

استدلال نخست در نقد عرفان منهای شریعت و لزوم پابندی به شریعت در معرفت عرفانی این است که هر مکتب عرفانی فاقد شریعت گونه ناقص و ابتر از یک مکتب عرفانی می‌باشد؛ زیرا هر روش عرفانی که داعیه هدایت انسان را داشته باشد باید در بردارنده سه عنصر: حقیقت، طریقت و شریعت باشد. بر این پایه، روش‌های عرفانی منهای شریعت که مدعی اند پیروان خود را بدون تحمل رنج و مشقت به جوهره آموزه‌های دینی که کشف واقعیت (- حقیقت) است می‌رسانند، امکان پذیر نخواهد بود؛ زیرا می‌توان استدلال گذشته را به سود طرفداران عرفان با شریعت چنین ادامه داد که اگرچه ممکن است انسان در سایه عرفان‌های بدون شریعت به پاره‌ای تجربه‌های دینی هر چند کم رنگ و یا برخی مکارم اخلاق دست یابد، ولی نیل کامل به حقایق تنها در

صورتی میسر خواهد بود که حقیقت در تمامی ابعاد وجود انسان رسوخ کند و روشن است با عدم التزام عملی به انجام احکام ظاهری و اعمال بدنی منسجم و منظم، این مهم تحقق نخواهد یافت. استدلال دوم این است که هدفی که سالک در عرفان در پی آن است، در عرفان‌های غیر الهی عبارت از پیدایش قدرت فوق طبیعی برای نفس است، که در اثر آن، نفس می‌تواند به عوالم مجرد راه یافته و در طبیعت تصرف کند و در عرفان‌های الهی که هدف برتری را پی‌گیری می‌کنند، عبارت از رسیدن به توحید و تجرد محض است که حتی فراتر از دیگر عوالم مجرد می‌باشد و در اثر آن، نفس قدرت الهی پیدا نموده و نه تنها بر طبیعت بلکه بر تمامی عوالم سیطره پیدا می‌کند. در هر دو حال، رسیدن به هدف یاد شده تنها در سایه دل‌کندن از تمایلات مادی امکان‌پذیر خواهد بود و گرنه نفس خوگر به مادیات هرگز نخواهد توانست به عوالم فوق مادی راه پیدا کند و دل‌کندن از مادیات با وجود آزاد گذاشتن اعضا و جوارح و پایبند نبودن به اعمال منسجم خاصّ (- شریعت)، میسر نخواهد بود.

از این رو، عارفان و شخصیت‌های اخلاقی و عرفانی به گونه‌های مختلف بر این حقیقت پای فشرده اند، از جمله ابویزید بسطامی گفته است: «اگر کسی را بینی که از کرامت اندر هوا همی پرد، مگر غره نشوی به وی تا او را نزدیک امر و نهی چون یابی و نگاه داشت حدود و گزاردن شریعت» (قشیری، ۱۳۷۴: ۳۹) و خواجه عبدالله انصاری می‌گوید: «شریعت، کشتی و حقیقت، دریاست؛ از دریا گذشتن بی کشتی خطاست» (جامی، ۱۳۷۵: ش ۳۹۷۷) و عزیز الدین نسفی با اشاره به استدلال یاد شده می‌گوید: «سالک باید که اول از علم شریعت آنچه ما لا بد است بیاموزد و یاد گیرد و آن‌گاه از عمل طریقت آنچه ما لابدست بکند و به‌جای آورد تا از انوار حقیقت به‌قدر سعی و کوشش وی روی نماید» (هدایت، ۱۳۸۵: ۱۶۶) و سید مهدی بحرالعلوم رحمته‌الله علیه به‌صورت مشروح بیان می‌دارد:

و باید (درجه فدرجه) بالا رفت تا جمیع اعضاء و جوارح را از حظّ آن‌ها از ایمان عطا کرد و هیچ عضوی نماند که از حظّ خود بی‌نصیب ماند و رساند کار را به جایی که جمیع حظوظ هر عضوی از اعضاء ظاهره و باطنه از ایمان به او عطا شود، از اوامر و نواهی حتمیه و تنزیهیه که با اهمال جزئی از آن‌ها به همان قدر از ایمان ناقص است و با وجود قصور ایمان به قدر رأس ابره قدم در عالم بالاتر از آن نتوان نهاد، چه گذشت که عوالم سلوک به راه خدا مشابه ساعات است تا بالمره متقدم طی نشود متأخر را در نیابد (سید بحرالعلوم، ۱۴۱۵:

بر این اساس، می‌توان به فلسفه احکام عملی در ادیان پی برد، که همه و همه برای اغراضی خاص در دین تعبیه شده‌اند و این که هدف نهایی از آن اصلاح اخلاق شهود حقایقی دینی است، از این رو، می‌بینیم راهبران دینی در احادیث فراوان بر فهم فلسفه انجام افعال تأکید ورزیده و آن‌ها را برای یاران خویش تبیین نموده‌اند، برای نمونه در خطبه فاطمه زهرا علیها السلام آمده است:

پس خداوند ایمان را برای پاکیزگی نفس شما از آلودگی و رشد روزی شما، و روزه را برای تثبیت اخلاص، حج را برای تقویت و تحکیم دین، و عدالت را برای هماهنگی بین دل‌ها، و اطاعت از ما (اهل بیت علیهم السلام) را برای نظم و آیین شریعت، و امامت ما را برای ایمنی از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام (و ذلت کافران و منافقان) و صبر را وسیله‌ای برای جلب اجر و پاداش، و امر به معروف را برای مصلحت توده مردم، و نیکی به پدر و مادر را برای مصون ماندن شما از غضب خود، و رسیدگی به خویشاوندان را موجب طولانی شدن عمر و رشد جمعیت، و قصاص را برای جلوگیری از ریختن خون‌ها، و وفای به نذر را به خاطر قرار گرفتن در معرض آموزش خداوند، و کامل دادن پیمان‌ها و وزن را برای جلوگیری از کم‌فروشی، و پرهیز از خوردن شراب را از برای دوری از بدی‌ها و پلیدی‌ها، و اجتناب از نسبت ناروا به دیگران را برای پرهیز از لعنت، و ترک دزدی را برای دست یافتن به عفت و پاکدامنی مقرر فرمود، و شرک ورزیدن را برای نیل بندگان به اخلاص در ربوبیت حرام نمود (طبری املی، ۱۴۱۳: ۱۱۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۹۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۵: ۱۰۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹: ۲۲۳).

در ادامه، می‌توان به استدلال دیگری تمسک جست و آن بهره‌گیری از تجربه‌های عینی و عملی سالکان راه حق در طول تاریخ است که تمام سرمایه‌های خود را در طریق کشف حقیقت قرار داده و در این راه به ریاضت‌های طاقت فرسا پرداخته‌اند که قطعاً پاره‌ای از آن‌ها به حقیقت راه یافته‌اند، اینان به‌ویژه بزرگان این گروه، فارغ از آن که پیرو چه مذهبی و یا طریقتی باشند، بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که رسیدن به حقیقت و عرفان واقعی، بدون عمل به شریعت امکان پذیر نخواهد بود. بنابر این، بهره‌گیری از تجربه‌های عارفان در روش‌های عرفانی ضروری است.

گذشته از سه استدلال گذشته، به عنوان چهارمین استدلال با روش خلف و اثبات تناقض در گفتار و کردار طرفداران نظریه عرفان بدون شریعت، به سود عرفان با شریعت چنین استدلال نمود که طرفداران نظریه عرفان منهای شریعت تنها در حوزه گفتار و ارائه نظریه، طرفدار عرفان منهای شریعت هستند، زیرا خود آنان در مکتب‌های عرفانی خود، خواه ناخواه به انجام پاره‌ای از اعمال

ظاهری منسجم (مانند: تمرکز فکری در موضوع خاص و...) پایبند هستند و رسیدن به واقعیت را در گرو عمل به آن می‌دانند، بنابراین، حتی طرفداران این نظریه نیز عملاً به آن ملتزم نیستند.

برای نمونه، «آیین بودا» که به نداشتن شریعت معروف است، به حدی که گفته شده است: «بودا» هیچ گونه تعالیم عبادی و ریاضات ظاهری ندارد، بلکه تمام اصرار او بر تمرین اخلاقی و تهذیب نفس و خودداری از لذات می‌باشد (شلی، ۱۹۷۲: ۱۷۲، نیز ر.ک: مغنیه، بی تا: ۱۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۲۸۵) و عبادت شناخته شده در میان پیروان، عبارت از جشنواره‌ها و نیز پاره‌ای سفرهای زیارتی است (ر.ک: هینلز، ۱۳۸۵: ۷۷۸-۷۷۵؛ العالیه للشباب، ۱۴۰۹: ۱۱۰؛ آیوب، بی تا: ۳۴۸)؛ با این حال، توصیه‌های ده گانه زیر از جمله سفارش‌های منسوب به اوست: نباید هیچ جان‌داری را نابود کرد، انسان نباید آنچه را که به او می‌دهند، بگیرد، نباید سخن نادرست و دروغ گفت، نباید ارتباط جنسی نامشروع داشت، نباید شبانه غذا خورد، نباید عطر استعمال نمود، نباید در مجلس رقص یا آوازه خوانی حضور پیدا کرد، و نباید طلا و نقره ذخیره نمود (شلی، ۱۹۷۲: ۱۶۶، به نقل از: Berry: Religions of the world، p1)، هر چند گفته شده است عهده تعالیم عملی او عبارت از تعالیم زیر به شمار آمده است و تعالیم دیگر، از افزوده‌های پیروان او می‌باشد، در هر حال، تعالیم اساسی او عبارت‌اند از: پرهیز از هر گونه عمل زشت، انجام هر گونه عمل نیک، تهذیب و پیراستن عقل و تهذیب نفس و مخالفت با هوای نفس، و تحریم لذایذ بر خود (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶: ۱۸۳؛ ج ۱۰: ۲۸۵).

چنان‌که ملاحظه می‌فرمایید بسیاری از این دستورها، دستورهای عملی هستند، درباره تعالیم مسیحیت که گفته شده است، بسیاری از تعالیم آن از تعالیم «بودا» برگرفته شده (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۳۲۱؛ بلاغی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۳۷۵؛ شلی، ۱۹۷۳: ۱۵۰)، نیز وضع این‌گونه است؛ یعنی آنان‌که از اسلام و یا هر دین دیگری به دلیل دارا بودن شرایع و مقررات و احکام عملی، به مسیحیت پناه برده‌اند، نیز گرفتار احکام و آداب و شرایع خاص دیگر شده‌اند، استدلال پنجم این است که یکی از شیوه‌های نقد دستور العمل‌هایی اجرایی و ایدئولوژیکی یک مکتب از جمله مکاتبی که در عرفان عملی ادعای نظریه پرداز دارند، نقد مبانی نظری و به تعبیر نقد جهان بینی آن مکتب می‌باشد، زیرا اگر یک مکتب نظری پایه‌ها و مبانی استوار نباشد، دفاع از آن در حوزه عمل معقول نخواهد بود، بر این پایه، نقد نظری مکاتب و شیوه‌های عرفانی که مدعی‌اند شرایع از جمله شرایع انبیای الهی علیهم‌السلام باطل است و نیازی به آن‌ها نیست، بلکه بدون

شریعت نیز می‌توان به اهداف مورد نظر در عرفان راه یافت، آن است که به اثبات لزوم نبوت پردازیم و نیاز به شرایع انبیای الهی (علیهم‌السلام) را مبرهن کنیم، که در کتاب‌های کلامی، فلسفی و عرفان نظری، از راه‌های گوناگون، نیاز به وحی و نبوت اثبات گردیده است، بر این اساس، یکی از ادله ردّ عرفان منهای شریعت، اثبات نیاز به وحی و نبوت است، که در این صورت دیگر نیازی به طرح بحث در حوزه عملی نخواهد بود و آنچه در اثبات شرایع گفته می‌آید، در حقیقت بر برهان اثبات نیاز به وحی و نبوت استوار است.

این سخن که انسان در زندگی اجتماعی نیاز به قانون دارد، نزد الهیون و مادی‌گرایان روشن است، اما دلایلی که برای لزوم قانون برای زندگی اجتماعی اقامه شده متفاوت است و حتی ادله‌ای که در علم کلام و فلسفه برای این منظور اقامه شده، لزوم قانون در امور عبادی، شخصی و ارتباط انسان با طبیعت را در صورتی که به جهات اجتماعی بازگشت نکند، توجیه نمی‌کند؛ زیرا عمده دلیل اهل کلام و فلسفه در این رابطه، پیش آمدن آشفتگی اجتماعی در صورت عدم وجود قانون می‌باشد که با وضع قوانین از هرج و مرج پیشگیری می‌گردد (طوسی، بی‌تا: ۳۶۷؛ طوسی، ۱۴۰۵: ۴۵۶؛ سبحانی، بی‌تا: ۱۰۲؛ ابن‌سینا، بی‌تا، ج: ۳، ۳۷۲، و صدر الدین شیرازی، ۱۴۲۲: ۱۶۱۳) و در عرفان نظری دلیل ضرورت قانون، آشفتگی در مظاهر اسماء و صفات الهی است، که توسط شخص نبی کنترل می‌گردد و بدین ترتیب، حتی در سه حوزه دیگر از ساحت‌های وجودی انسان، یعنی زندگی عبادی، شخصی و طبیعی نیز انسان به قانون نیاز دارد تا آشفتگی موجود در تقاضای هر یک از خواسته‌های خویش را کنترل کند (قیصری، ۱۳۷۵: ۱۴۶؛ آملی، ۱۳۶۷: ۱۷۶؛ آملی، ۱۳۸۲، نص: ۲۷۳؛ آملی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۴۵؛ قاسانی، ۱۴۲۶: ۲۲؛ خمینی، ۱۳۷۶: ۷۶).

بنابراین، حتی اگر یک تن در جهان زندگی کند، در رابطه با ارتباط فرد با خویش و با خدا و با طبیعت نیاز به قانون دارد و انکار عدم نیاز به قانون در امور عبادی، بی‌منطق خواهد بود و شریعت چیزی جز قوانین و مقررات وضع‌شده در ساحت‌های گوناگون زندگی انسان نیست.

سرانجام، به عنوان استدلال ششم می‌توان گفت که یکی از راه‌های نقد مکاتب از جهت مبانی نظری، نقد اهداف آن‌ها است، بر این پایه، از عرفان‌های منهای شریعت می‌پرسیم که هدف شما چیست؟ هر چند بررسی پاسخ هر یک از مکاتب در پاسخ این سؤال، فرصت دیگری را می‌طلبد، ولی عمده پاسخ آن‌ها به این پرسش این خواهد بود که می‌خواهیم فراتر از طبیعت برویم

و با ماورای طبیعت ارتباط برقرار کنیم و بتوانیم در مادیات تصرف کنیم و بدین طریق، آرامش و نشاط لازم را به دست آوریم، پاسخ ما این است که هدف فراتر از این در ادیان الهی به‌ویژه اسلام قابل دسترسی است، به گونه‌ای که اهداف یاد شده در مقایسه با آن هیچ به شمار نمی‌آید، در عرفان اسلامی انسان با تنها موجود فوق تجرد که احاطه به کل هستی و علم و قدرت مطلق ارتباط برقرار می‌کند و روشن است که این بسیار فراتر و بالاتر از رسیدن به تجرد نسبی است که تنها اطلاع از پاره‌ای امور غیبی و دور از دید چشم و قدرت نسبی بر برخی امور فراتر از قدرت مادی را به انسان ارزانی می‌دارد، از این رو، حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمته الله علیه نقل می‌کرد که سید بحرالعلوم رحمته الله علیه در آغاز سلوک به قصد آموختن علم کیمیا از بیدآبادی رحمته الله علیه به اصفهان سفر کرد، بیدآبادی رحمته الله علیه او را به کنار زاینده رود برد و پیش از آن که سید بحرالعلوم رحمته الله علیه خواسته خود را با او به میان بگذارد، بیدآبادی رحمته الله علیه فرمود: «سید، چیزی در اینجا (با اشاره به قلب ملکوتی خود) دارم که اگر همه زاینده رود را طلا کنند و به من بدهند، ذره‌ای از آن را نمی‌دهم»، نیز حضرت آیت الله العظمی بهجت رحمته الله علیه می‌فرمود: «استاد ما (آقای قاضی) می‌فرمودند: توکل به خدا، کیمیا است»، سید مهدی سید بحرالعلوم رحمته الله علیه در این باره تصریح می‌کند:

و اما استاد عام شناخته نمی‌شود مگر به مصاحبت او در خلاء و ملاء و معاشرت باطنیه و تمامیت ایمان جوارح و نفس او؛ و زینهار بظهور خوارق عادات؛ و بیان دقایق نکات؛ و اظهار خفایای آفاقیه؛ و خبایای آنفسیه؛ و تبدل بعضی از حالات خود بمتابعت او و فریفته نباید شد؛ چه اشراف بر خواطر و اطلاع بر دقایق و عبور بر نار و ماء و طیّ زمین و هوا و استحضار از آینده و امثال اینها در مرتبه مکاشفه روحیه حاصل می‌شود؛ و از این مرحله تا سر منزل مقصود راه بی‌نهایت است؛ و بسی منازل و مراحل است؛ و بسی راهروان این مرحله را طی کرده؛ و از آن پس از راه افتاده به وادی دزدان و ابالسّه داخل گشته؛ و از این راه بسی کفار را اقتدار بر بسیاری از امور حاصل بلکه از تجلیات صفاتیّه نیز پی به وصول صاحبش به منزل نتوان برد، و آنچه مخصوص واصلین تجلیات ذاتیه است و آن نیز قسم ربانیّه اش، نه روحانیّه (سید بحرالعلوم، ۱۴۱۵: ۱۶۰-۱۵۹).

۳. بحث و نتیجه‌گیری

اتکای پژوهش حاضر بر نقدها و ادله برون دینی و درون دینی به‌طور همگن در ردّ عرفان‌های شریعت‌گریز امتیاز پژوهش حاضر است، زیرا هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام‌گرفته به‌صورت فراگیر

به تمامی دلایل برون دینی و درون دینی پرداخته نشده است، بلکه صرفاً در پاره‌ای از پژوهش‌ها به برخی از دلایل درون دینی اشاره رفته است و بحث مستوفی انجام نپذیرفته است و در بسیار از پژوهش‌های انجام گرفته نه تنها به دلایل و مستندات اشاره نرفته، که به نقل قول سخنان عارفان بسنده شده است. توضیح آنکه: زرقی، خالقی و قلعه‌نویی صرفاً به شریعت گریزی عرفان‌های کاذب اشاره کرده‌اند (۱۳۹۷) و حیدری و کیانی دلایل التزام مولانا جلال‌الدین به شریعت، طریقت و حقیقت را آورده‌اند (۱۳۹۴) و مظاهری اگرچه افزون بر نقل دیدگاه‌های عارفان به برخی آیات و روایات تمسک جسته است، لیکن به تحلیل و تقریر چگونگی پیوند شریعت؛ طریقت و حقیقت اقدام نکرده است (۱۳۹۲)، و داستان مقاله مهدوی آزاد بنی، حق جو و رضازاده نیز اگرچه اختصاص به موسی و خضر^{علیه السلام} دارد، لیکن در این مقاله نیز به مسئله مورد بحث و حل عدم تعارض میان شریعت و حقیقت توجه نشده است (۱۳۹۵)، چنانکه رحیمی و صالحی نیز صرفاً اشاره‌ای به شریعت گریزی برخی عرفان‌های نوظهور کرده‌اند (۱۳۹۱)، همچنین بخشی از مقاله آقا سنجری و سنجری اگرچه به دلایل لزوم پایبندی به شریعت در سیر و سلوک اختصاص یافته، لیکن صرفاً به نقل قول پرداخته شده و یا استدلال به برخی آیات بدون تحلیل و تقریر می‌باشد (۱۳۸۹)، نیز نویسندگان مقاله «نقد روش‌شناسی عرفانی مکتب حلقه» و همچنین مقاله (نقد و بررسی دیدگاه پائولو کونلیو درباره ایمان و شریعت) تنها اشاره به شریعت گریزی برخی عرفان‌های نوظهور و کاذب دارند (ولیعایی ابرقویی و محمدی، ۱۳۹۷؛ موسویان و کلانتری، ۱۳۹۱) و یثربی نیز صرفاً به نقل قول و تحلیل کوتاه سخنان عارفان پرداخته است (۱۳۸۴)، و مظاهری با استناد به سخنان عارفان اسقاط تکلیف در عرفان اسلامی را می‌کاود (۱۳۸۰) و همسان با این مقاله، سلیمانیان با عنوان «در پشت شریعت و عرفان» صرفاً از سخنان عارفان مایه بر گرفته است (۱۳۹۴)، و جوکار و زنده بودی، وجه سخن عارفان در بی‌التزامی به شرع را با استناد به سخنان آنان پژوهیده‌اند (۱۳۹۸)، یوسف ثانی و رادی میبیدی، در ضمن بررسی عوامل مؤثر در حصول غایت سلوک عرفانی با رویکردی بر آرای امام خمینی^{علیه السلام} به مسئله مورد بحث اشاره و تحلیل کوتاهی عرضه داشته‌اند (۱۳۹۷)، و رضانی صرفاً در بررسی مسئله «ظهور حقایق و بطلان شرایع» در عرفان اسلامی به توجیه عرفانی مسئله با استناد به سخنان عارفان پرداخته است (۱۳۹۳)، و شیخ‌الاسلامی و تاجیک گونه‌شناسی ارتباط میان عرفان و شریعت از دید دانشمندان اسلامی را مورد پژوهش قرار داده‌اند (۱۳۹۵)، بر این

اساس، همان‌گونه که پیشینه پژوهش گواهی می‌دهد پژوهش حاضر از جهت پرداختن با ادله نقلی قرآنی و عقلایی در مسئله پژوهش و تحلیل هر یک از ادله، افزون بر ذکر تفصیلی سخنان عارفان تاکنون و البته در حدی که تتبع نگارندگان مقاله حاضر بدان رسیده، بی‌سابقه است.

درهرحال، پژوهش حاضر در پاسخ به اما شبهه شریعت‌گریزی برخی مکاتب عرفانی و عدم لزوم پایبندی به مقررات دست‌وپا‌گیر و احکام و آداب و مناسک خاص به‌ویژه در حوزه برقراری ارتباط با خدا و در رسیدن به منزل مقصود در حرکت عبودی و سیر و سلوک الی الله، با تمسک به ظاهر بعضی از آیات قرآن، به این نتیجه دست یافت که افزون بر وجود دلایل عقلی بر اثبات لزوم پایبندی به شریعت، مانند: عدم جامعیت در هدایت ابعاد وجودی انسان، عدم امکان سیر صعودی بدون التزام به شریعت، تضاد با تجربه‌های عینی عارفان، تنافی با ادله اثبات نبوت عامه، و نقد اهداف عرفان‌های شریعت‌گریز؛ عرفان‌های شریعت‌گریز در تمسک به پاره‌ای آیات، مانند: آیه «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (حجر: ۹۹) و آیه «رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا» (حدید: ۲۷) و آیات مربوط به ماجرای حضرت موسی و خضر علیهما السلام (کهف: ۸۲-۶۰) به سوء فهم در تفسیر آیات دچار آمده‌اند.

منابع

- قرآن کریم.
- آقا سنجرى، حسین، سنجرى، زهرا (۱۳۸۹)، نقش شریعت در سیر کمال انسان، پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ۱۱۲ (۱-۲)، ۲۰۳-۲۲۶.
- آقا نوری، علی (۱۳۸۲)، سقوط تکالیف شرعی از دیدگاه عارفان و امام خمینی علیه السلام، مجموعه آثار کنگره اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی علیه السلام - جلد ۷ مقالات عرفانی، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ه ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آملی، سید حیدر (۱۳۶۷)، المقدمات من کتاب نص النصوص، تهران: انتشارات توس، دوم.
- _____ (۱۳۸۲)، أنوار الحقیقه و أطوار الطریقه و أسرار الشریعه، قم: نور علی نور، اول.
- _____ (۱۴۲۲ ق)، تفسیر المحيط الأعظم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، سوم.
- _____ (۱۴۲۸)، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز المحکم، تحقیق: السید محسن الموسوی التبریزی، مؤسسه فرهنگی و نشر نور علی نور، چهارم.

- ابن ترکه، صائن الدین علی بن محمد ترکه (۱۳۷۸ ه ش)، شرح فصوص الحکم، قم: بیدار.
- ابن سینا، شیخ الرئیس (بی تا)، الاشارات و التنبيهات، ناشر: نشر البلاغه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ه ق)، تحف العقول، محقق: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین.
- ابن عربی، محیی الدین (بی تا)، فتوحات مکیه، بیروت: دار احیاء التراث.
- ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۲۲ ه ق)، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن عربی، محیی الدین (۱۴۲۱ ق)، مجموعه رسائل ابن عربی، بیروت: دار المحجّه البيضاء، اول.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ ه ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، زکریا (۱۴۰۴ ه ق)، معجم مقاییس اللغه، تحقیق: عبدالسلام، محمد هارون، قم: مکتبه الإسلام الإسلامی.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ ه ق)، تفسیر التحرير و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ ه ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- احسانی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۳ ق)، عوالی اللئالی، تحقیق: حاج آقا مجتبی عراقی، بیجا: بی تا، اول.
- انصاری، خواجه عبدالله (۱۴۱۷ ق)، منازل السائرین، قم: دارالعلم.
- آیوب، سعید (بی تا)، إبتداءات الإمام فی الطريق المسیح الدجال و المهدی المنتظر اليهودیه و المسیحیه و الإسلام، مکتبه مرکز الأبحاث العقائديه.
- بحر العلوم، مهدی (۱۴۱۵ ق)، رساله سیر و سلوک (تحفه الملوك فی السیر و السلوك)، محقق: علامه سید محمد حسین تهرانی، مشهد: انتشارات علامه طباطبایی.
- بلاغی، شیخ محمد جواد (۱۴۱۴ - ۱۹۹۳ م)، الرحله المدرسیه، بیروت: دار الزهراء للطباعة و النشر و التوزيع، دوم.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق)، غرر الحکم و درر الکلم، محقق: رجائی، مهدی قم: دار الکتب الإسلامی.
- جامی، عبد الرحمن (۱۳۷۵)، نفحات الأنس، محقق: محمود عابدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- جوکار، نجف، زنده بودی، حسین، (۱۳۹۸)، نگاهی به نقد خودپلایشی عرفا و بی التزامی به شرع، ادب فارسی، (۱)۹، ۱-۱۹.

- جوهری، اسماعیل بن حماد (بی‌تا)، *الصحاح تاج اللغة و الصحاح العربیه*، بیروت: دار العلم للملایین.
- حسنی رازی، مرتضی بن داعی (منسوب به او) (۱۳۶۴هـ ش)، *تبصره العوام فی معرفه مقامات الانام*، تصحیح: اقبال، عباس، تهران: اساطیر.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۷هـ ق)، *نهج الحق و كشف الصدق*، قم: دارالپهجره.
- حوراء، خواجه عبدالله مغربی (۱۳۶۳)، *رساله نور وحدت چاپ شده در ضمن مجموعه رسائل عوارف المعارف*، محقق: علی اکبر نوری زاده، شیراز: کتابخانه احمدی شیراز، اول.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۶)، *مصباح الهدایه الی الخلافه و الولایه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، سوم.
- خوارزمی، تاج الدین حسین (۱۳۷۹)، *شرح فصوص الحکم (خوارزمی/آملی)*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، دوم.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۴۲۰هـ ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- رحیمی، نرگس، صالحی، صغری (۱۳۹۱)، *عرفان حقیقی و عرفان های کاذب*، نشریه معرفت، ۲۱ (۱۷۷)، ۱۰۱-۱۱۸.
- رمضان، حسن (۱۳۹۳)، *بررسی مسئله «ظهور حقایق و بطلان شرایع» در عرفان اسلامی*، حکمت اسلامی، ۱(۱)، ۷۳-۹۸.
- رودگر، محمدجواد (۱۳۹۰)، *شناخت‌های لازم در سلوک عملی با نظر به آرای علامه جوادی آملی*، دوفصلنامه علمی پژوهشی حکمت اسرا، ۳(۲)، ۱۰۷-۱۳۶.
- روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر (۲۰۰۸م)، *عرائس البیان فی حقائق القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷هـ ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی.
- سبحانی، جعفر (بی‌تا)، *قواعد العقائد*، بی‌جا.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۹)، *فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، تهران: انتشارات طهوری، پنجم.
- سلیمانیان، حمیدرضا، (۱۳۹۴)، *در نسبت شریعت و عرفان*، نشریه نثر پژوهی ادب فارسی، ۱۸(۳۸)، ۲۰۴-۱۸۵.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق: زمرلی، فواز احمد، بیروت: دارالکتاب العربی.
- شلبی، أحمد (۱۹۷۲م)، *مقارنه الأدیان، أديان الهند، القاهرة: مکتبه النهضه المصریة*، سوم.

- (۱۹۷۳ م)، *مقارنه الأديان، المسيحية، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية،* چهارم.
- شیخ الاسلامی علی، تاجیک ابوالفضل (۱۳۹۵)، *عرفان شریعت: از تعارض تا گفتگو گونه شناسی ارتباط میان عرفان و شریعت، پژوهشنامه عرفان،* ۰ (۱۵): ۵۱-۷۳.
- شیرازی یثربی، سید یحیی (۱۳۸۲)، *سقوط تکلیف در عرفان اسلامی، مجموعه آثار کنگره اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی (ره) - جلد ۱۵، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).*
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ ه ق)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی.*
- صائن الدین علی بن ترکه (۱۳۷۸)، *شرح فصوص الحکم (ابن ترکه)، قم: انتشارات بیدار، اول.*
- صدر الدین شیرازی، محمد (۱۴۲۲ - ۱۳۸۰ ش)، *المبدأ و المعاد، تحقیق: قدمه و صححه: الأستاذ السید جلال الدین الاشتیانی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، سوم.*
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ه ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.*
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۷)، *مجموعه رسائل (علامه طباطبائی)، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول.*
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ه ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.*
- (۱۴۱۲ ه ق)، *تفسیر جوامع الجامع، مصحح: گرجی، ابوالقاسم، قم: حوزه علمیه قم، اول.*
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی، اول.*
- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ ق)، *دلائل الإمامه (ط - الحدیثه)، محقق: قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثه، قم، اول.*
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ه ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.*
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.*
- طوسی، خواجه نصیر الدین (بی تا)، *تلخیص المحصل، ناشر: دار الاضواء.*
- (۱۴۰۵ ق)، *رسائل خواجه نصیر الدین طوسی، بیروت: دار الاضواء، دوم.*
- عاملی، سید محسن امین (بی تا)، *أعیان الشیعه، بی جا.*
- عطار نیشابوری، فرید الدین (۱۳۸۶)، *تذکره الأولیاء، محقق: محمد استعلامی، تهران: انتشارات زوار.*
- عین القضات همدانی (۱۳۷۷)، *نامه‌های عین القضات، محقق: علینقی منزوی، و عفیف عسیران، تهران: انتشارات اساطیر.*
- غزالی، ابوحماد (بی تا)، *احیاء علوم الدین، بیروت: دارالکتاب العربی.*

- (۱۳۸۳)، *کیمیای سعادت*، محقق: حسین خدیو جم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۴۱۰ ه ق)، *المنطقیات للفارابی*، تحقیق: دانش پژوه، محمد تقی، قم: کتابخانه‌ایت الله مرعشی نجفی.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ ه ق)، *من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک.
- فیاض، محمد اسحاق (۱۳۸۲ ش-۱۴۲۴ ق)، *المباحث الأصولیه*، ناشر دفتر مؤلف، اول.
- فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، *المصباح المنیر*، قم: دارالهجره، دوم.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ ه ق)، *تفسیر الصافی*، مقدمه و تصحیح: اعلمی، حسین، تهران: مکتبه الصدر، دوم.
- (۱۴۰۶ ق)، *الوافی*، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (ع)، اصفهان، اول.
- قاسانی، عبد الرزاق (۱۳۸۵)، *شرح منازل السائرین (القاسانی)*، محقق: محسن بیدار فر، قم: انتشارات بیدار.
- قاسانی، عبد الرزاق (۱۴۲۶ ق)، *کشف الوجوه الغر لمعانی نظم الدر*، بیروت: دار الکتب العلمیه، اول.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ ه ش)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- قشیری، ابوالقاسم عبد الکریم؛ عثمانی، ابوعلی (۱۳۷۴)، *رساله قشیریہ (ترجمه)*، محقق: بدیع الزمان فروزانفر، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- قمی، عباس (۱۴۱۴ ه ق)، *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*، قم: اسوه.
- قونوی، صدر الدین (۱۳۷۴)، *مفتاح الغیب (مصباح الأنس)*، تهران: انتشارات مولی، اول.
- قیصری، داود (۱۳۷۵)، *شرح فصوص الحکم (القیصری)*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، اول.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ ش)، *عیون الحکم و المواعظ (للیثی)*، محقق: حسنی بیرجندی، حسین، قم: دار الحدیث، اول.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ ه ق)، *شرح الکافی-الاصول و الروضه*، محقق: شعرانی، ابوالحسن، تهران: مکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
- مظاهری، عبدالرضا (۱۳۸۰)، *اسقاط تکلیف در عرفان اسلامی*، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- (۱۳۹۲)، *چگونگی پیوند شریعت با طریقت و حقیقت از طریق آیات و روایات*، سراج منیر، (۱۳)، ۸۷-۱۰۴.

- مغنیه، محمد جواد (بی تا)، نظرات فی التصوف و الکرامات، بیروت: منشورات المكتبة الأهلية.
- مقرب سید بیگلر، وحیده (۱۳۹۷)، پایان نامه «التزام عملی به شریعت در عرفان اسلامی و عرفان‌های نو ظهور»، اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ ه ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- _____ (بی تا)، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، بی جا.
- موسویان سید محمد، کلانتری ابراهیم (۱۳۹۱)، نقد و بررسی دیدگاه پائولو کوئلیو درباره ایمان و شریعت، اندیشه نوین دینی، ۸ (۳۱): ۲۳-۴۰.
- موسی زرقی، سمیرا خالقی و مهناز قلعه نویی (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر پیدایش عرفان‌های کاذب و نوظهور بر عرفان‌های اسلامی، روانشناسی، علوم اجتماعی و علوم تربیتی، ۲ (۴)، ۱۱-۲۶.
- مهدوی آزاد بنی، رمضان، حق جو، سیاوش، رضازاده، مصطفی (۱۳۹۵)، بررسی اختلافات و اشتراکات تفاسیر عرفانی فریقین ذیل داستان حضرت موسی علیه السلام و خضر علیه السلام، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، ۱۱ (۴۴)، ۶۷-۸۰.
- الندوة العالمیه للشباب الإسلامی (۱۴۰۹)، الموسوعة المیسرة فی الأديان و المذاهب و الأحزاب المعاصرة، الرياض.
- نوروزی اصغر (۱۳۹۲)، نسبت تصوف و عرفان با تشیع و خاستگاه شیعی عرفان از منظر علامه طباطبایی، حکمت عرفانی ۲ (۶)، ۲۵-۴۲.
- ولیعی ابرقویی، احمد، محمدی، عبدالله (۱۳۹۷)، نقد روش شناسی عرفانی مکتب حلقه، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۲ (۷۴)، ۱۲۷-۱۵۱.
- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۸۵)، تذکره ریاض العارفین، محقق: ابوالقاسم رادفر؛ گیتا اشدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هینلز، جان ر (۱۳۸۵)، راهنمای ادیان زنده، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- یثربی سید یحیی (۱۳۸۴)، جایگاه شریعت در قلمرو عرفان، کتاب نقد، ۳۵، ۹۳-۱۲۸.
- یثربی، سید یحیی (۱۳۸۶)، عرفان و شریعت، تهران: کانون اندیشه جوان.
- یوسف ثانی، سید محمود، رادی میبدی، فاطمه (۱۳۹۷)، بررسی عوامل مؤثر در حصول غایت سلوک عرفانی با رویکردی بر آرای امام خمینی علیه السلام، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ۱۸ (۶۶)، ۱۳۱-۱۵۸.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی